

برپایه تمدن نوین اسلامی مستلزم وحدت نظری و گفتمانی جهان اسلام

برپایه تمدن نوین اسلامی مستلزم وحدت نظری و گفتمانی جهان اسلام

چکیده

برای ادامه مسیر انقلاب و رسیدن به اهداف متعالی آن که ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج) است وحدت جامعه اسلامی و انسجام ملی باید حفظ شود. حفظ وحدت در زیر چتر ولایت فقیه و اطاعت عملی از فرامین ایشان لازمه رسیدن به اهداف متعالی انقلاب است وحدت باید زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد ترویج تفرقه در دین صفت مشرکان است و پرهیز از تفرقه در ادیان مختلف الهی مورد تاکید قرار گرفته است دین اسلام با تفرقه‌اندازان هیچ سازگاری ندارد و بر اساس آیات قرآن کریم منافقین به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه در این دین مبین هستند به همین علت وحدت و پیام تقریب به عنوان یک راهبرد در اسلام مطرح است. تشکیل تمدن نوین اسلامی از اهداف اصلی کشور است. در جوامع دینی پیش از اسلام نیز آنچه که آنها را از برکات انبیاء محروم کرد و از سعادت‌ی که باید از آن تحت پرچم انبیاء بهره‌مند می‌شدند، اختلاف بود. احیاء اسلام و جنبش بازگشت به اسلام که ما از آن به بیداری اسلامی تعبیر می‌کنیم، تراوشات آن از دو قرن پیش ملاحظه می‌شود. آنچه تمدن نوین اسلامی را می‌تواند سامان بخشد و این ساختار را بر جامعه بشری حاکم کند شرط اصلی آن وحدت است.

اندیشه وحدتی که بزرگان ما پرچم آن را برافراشتند یک نظریه ساده نیست بلکه نظریه جدید تمدن‌سازی اسلامی در عصر کنونی است. از این رو مسئله وحدت جامعه اسلامی، اساس و بنیاد جامعه متمدن و نوین است، وحدت ساختار تمدن نوین اسلامی را تبیین می‌کند. همه ما معتقد به ظهور حضرت ولی عصر (عج) هستیم که شرط اصلی آن شکل‌گیری امت واحده اسلامی است و ما به آن به عنوان یک هدف دوردست نگاه نمی‌کنیم بلکه باید تلاش کنیم و ضرورت تاریخ ما و جوامع اسلامی را به این نقطه خواهد رساند و هم‌اکنون نیز علائم چنین اجماع و اتفاقی مشاهده می‌شود. در نتیجه در این مقاله به این اهم می‌پردازیم که وحدت جامعه اسلامی و یکی شدن جامعه اسلامی مهمترین عنصر جامعه امروزی است.

با توجه به اینکه جامعه اسلامی هر روز رو به پیشرفت است و این طبیعی است که با هر پیشرفتی در هر جامعه ای دشمنان آن ها نیز بیکار نمی نشینند و با ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت در بین مسلمین تمدن اسلامی را که از نظر خود غربی ها در سه تمدن اولیه موجود در جهان است را از بین می برند . از این رو تمامی کسانی که در تمدن اسلامی صاحب نظر هستند نسبت به این امر مهم بیانات و دیدگا هایی دارند و با درس گرفتن از این دیدگاه ها و استفاده از آیات و روایات مختلف در مورد تمدن اسلامی و نقش وحدت مسلمین در تمدن سازی باید نقشه های کثیف غرب و جامعه غربی و دشمنان این تمدن و این مرز و بوم را نقش بر آب کرد و از بین برد . لذا باید تمامی جوانب این مهم و نکات آن را از منابع مختلف استخراج کرد و مکر حيله گران را به خودشان برگرداند . در شرایط کنونی که دشمنانی همانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مقابل نظام اسلامی و آموزه های دینی در حال تلاش هستند باید نسبت به فعالیت های تفرقه انداز آنها هوشیار باشیم.

بر اساس فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی باید در شرایط کنونی مشکلات اسلام را شناسایی و برای رفع آنها تلاش های لازم را دنبال کنیم. بر اساس دستورات خداوند متعال در قرآن کریم حوزه های مختلف معرفت های نظری باید اسلامی شود تا وحدت بر اساس اندیشه های اسلامی شکل گیرد. در شرایط کنونی با دشمنان مختلف و مشکلات داخلی مواجه هستیم اما اگر به تمدن نوین اسلامی برسیم پرچم اسلام جهان را فتح کرده و بسیاری از مشکلات رفع می شود. وظیفه هر مسلمان شیعه و سنی است که در برابر دشمن وحدت خود را حفظ کند و عوامل تفرقه را از بین ببرد و از اختلاف با دیگر مسلمانان در دیگر کشور ها و با هر فرقه ای و مذهبی پرهیز کند . هدف دشمن از بین بردن یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان از طریق خود مسلمانان است که باید مواظب این مکر ها بود و با تمدن سازی نوین اسلامی دست رد بر سینه آنها زد . بلاشک وحدت در برابر دشمن در بین فرق اسلامی از جمله شیعه و سنی باعث تمدن سازی شده و مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام ، تشیع و تسنن است . در هر صورت، تحرکات علمی و عملی برای این ضرورت فراموش شده، نسبت به حجم توطئه های رو در رو، ناچیز است لذا نیازی فوری است که مراکز علمی کشور مانند دانشگاه ها و حوزه های علمیه، به صورت تخصصی روی این موضوع تحقیق کرده و نتایج کارشان را در اختیار نهادهای دولتی و غیر دولتی و نخبگان جامعه قرار دهند تا اولاً بتوان در کشور فرهنگ همزیستی و ارتباط مسالمت آمیز میان مذاهب اسلامی به خصوص شیعه و اهل سنت را ایجاد کرد ثانیاً زمینه ای برای ارتباط هر چه بیشتر با نخبگان سایر کشورهای اسلامی، فراهم کرد. مقاله ی حاضر بیش از اینکه به چگونگی ایجاد چنین فرهنگی در جامعه بپردازد، به ضرورت و چرایی وحدت از زبان بزرگان و اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه از جمله مقام معظم رهبری (دامت برکاته) اشاره می کند.

تاکید مقام معظم رهبری بر وحدت اسلامی

در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می‌کنیم، مقصود ما این نیست که فِرَقِ مسلمین اعم از شیعه و سنی یا فِرَقِ که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خود دست بردارند و به عقیده‌ی سومی یا به عقیده‌ی طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه‌ی هر کسی وابسته است و بینة و بینة اللّٰه تکلیف اوست. بحث ما این نیست. بحث ما این است که می‌خواهیم به همه‌ی مسلمانان از شیعه و سنی بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. در بعضی چیزها، با هم شریکید و یک‌طور فکر و عمل می‌کنید و در بعضی چیزها، هر فرقه روش خود را دارد. نکته این است که اولاً، آن نقاط اشتراک بیشتر از نقاط افتراق است. یعنی همه‌ی مسلمین، به خدای واحد و قبله‌ی واحد و پیامبر واحد و احکام و نماز و روزه و زکات و حج اعتقاد دارند. قدیمیترین تمدنها و عمیقترین فرهنگها، در همین منطقه‌ی بی‌بوده که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند. آن وقتی که دیگر مردم در وحشیگری بودند، همین مردم مسلمان بودند که دنیا را با علم و معرفتشان اداره می‌کردند. مسلمانان، جمعیتی متشکل و منسجم هستند، کشورهايشان نزدیک به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقاربنند و در تمام نقاط دنیا کسانی را از خود دارند که همه‌ی آنها مسلمانند. مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند.

محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (صلی اللّٰه علیه و آله و سلم) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد. امروز، پولهای نفت برای نوشتن کتاب ضد شیعه مصرف می‌شود. دلارهای امریکایی برای رد تشیع به کار می‌رود و به زبان عربی و اردو کتاب نوشته و ترجمه می‌شود. اینها، دستهای شیطانند. اینها، انسانهای سالمی نیستند که این چیزها را می‌نویسند. هر جا باشند، همین‌طورند. یکی از پیامهای عمده‌ی انقلاب ما، وحدت مسلمین است. ما در همه‌ی جای دنیای اسلام، این حرف را می‌زنیم و به کسانی که در کشورهای مختلف، همه‌ی همتشان را برای مقابله با انقلاب اسلامی و وارد آوردن تهمت و بستن دروغ به آن یا به رهبر فقید عظیم الشان انقلاب یا نقد آرای ملت مسلمانانی که در این جا با همه‌ی وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه می‌کنند، گذاشتند؛ نصیحت می‌کنیم. ما به همه‌ی می‌گوییم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه‌ی عقیده‌ی بی‌خواهد به مقدسات

دیگران اهانت بکنند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. با یستی همه با هم کمک کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوء استفاده بکند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه‌ی خوبی دارد و نه با سنی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن کینه می‌ورزد. همان اسلامی که سنی یا شیعه دارد، مبعوض امریکا و مرتجعان است. اختلافات داخلی را برای آن زمانی بگذاریم که از طرف هیچ دشمن جهانی تهدید نشویم. اگر چنین روزی پیش آمد، آن وقت مقابل هم بنشینند و سنگهایشان را با هم حک کنند. امروز، وقت این حرفها نیست امروز، این کشورهای مرتجع منطقه، بدطوری به شعارهای تفرقه افکن و اختلاف انگیز چسبیده اند. اگر ملت ما در مراسم حج، علیه امریکا و اسرائیل شعار بدهد، آنها اعتراض می‌کنند و می‌گویند چرا شما در بین مسلمین حرف جدیدی آورده اید؟! این را تفرقه تلقی می‌کنند؛ در حالی که ایجاد تفرقه نیست، بلکه انجام وظیفه است. مسلمانان دیگر هم باید شعار دادن علیه امریکا و اسرائیل را از ملت ایران یاد بگیرند. پولها، قلمها، امکانات، بلندگوها و عناصر مزدور پست کشورهای مرتجع، مرتب علیه انقلاب و ایران اسلامی و ملت فداکار عمل می‌کنند. این، تفرقه و ایجاد شکاف و اختلاف است. لعنت خدا بر آن دستهایی که به این ترتیب بین مسلمین ایجاد شکاف و اختلاف می‌کنند. وحدت را مهم بشمارید و هفته‌ی وحدت را یک هفته‌ی حقیقتاً پر محتوا و پر مغز قرار بدهید. در امور دیگر هم، ما این مسأله‌ی وحدت را مورد تأیید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی، مورد تأکید قرار می‌دهیم. وقتی می‌گوییم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی، برای هدفهای اسلامی اتحاد باشد، پس به طریق اولی، قشرهای مختلف مردم فداکار و مبارز ایران، اهل هر شهر و استانی، متکلمان با هر زبان و لهجه‌ی هستند، موظفند وحدت را حفظ کنند. نیروهای مسلح، اگر چه برای استحکام خود، به اسلحه و تجهیزات و آموزش و نیروی انسانی و امثال اینها احتیاج دارند، اما آن چیزی که ارتش اسلامی را از همه‌ی ارتشهای دیگر متمایز می‌کند، عبارت است از ایمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهی و احساس این که جنگشان جهاد فی سبیل اللّٰه است. این، آن عامل اصلی است که اگر آن را جدا کنیم، لشکر اسلامی هم مثل بقیه‌ی ملتها و لشکرهای کشورهای دیگر، چیزی در عداد آنها خواهد شد. یعنی اگر اسلحه و تجهیزات و نفرات و نیرو و استعداد بالا داشت، ممکن است بتواند مقاومت کند؛ و الاً اگر تعداد طرف مقابل، یک خرده بیشتر و یا تجهیزاتشان پیشرفته تر بود، مجالی برای تحرک اینها نخواهد داد. عامل ایمان در اختیار ماست؛ باید آن را به نیروی رزمنده تزریق کرد. هر جا که ما پیش رفتیم، با این نیرو پیش رفتیم و هر جا که شکست خوردیم، این نیرو در ما ضعیف شده بود. اگر بروید عملیات را تحلیل کنید، به همین نقطه خواهید رسید. آن جایی که دلها به شعله‌ی ایمان مشتعل بوده است، ما از همه‌ی سدها و مانعها گذشتیم و جلو رفتیم و آن جایی که گرایش به مادیات و طواهر و بی‌رغبتی به صواب الهی و بی‌توجهی به تکلیف شرعی، نیت‌های ما را مختصری مشوب و مخدوش کرده است، همان جا ضربه خوردیم و شکست را پذیرفتیم. یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً و لا تفرّقوا». این

خطاب به کیست؟ خطاب به ما است، خطاب به ملت ایران است، خطاب به ملتهای مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه ی مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. ما به این عمل میکنیم؟

نقطه ی مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است؛ اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده ی دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار میخواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولتهای اسلامی و حکومتهای اسلامی فریب میخورند؛ آنها هم داخل بازی دشمن میشوند؛ فریب دشمن را میخورند، برای امروز اتحاد و اتفاق بین مسلمانان، یک فریضه ی فوری است. ببینید از جنگ و اختلاف چه مفاسدی به وجود می آید؛ ببینید در دنیای اسلام، تروریسم کور به بهانه ی اختلافات مذهبی، چه فجایعی به راه می اندازد؛ ببینید با این اختلافاتی که بین ما مسلمانان به وجود آوردند، رژیم صهیونیستی غاصب چه نفس راحتی میکشد. هر وقتی کشورهای اسلامی و ملتهای اسلامی بخواهند به هم نزدیک شوند، یک توطئه ای درست میکنند، یک حادثه ای به وجود می آورند. اینها باید چشم ما را باز کند، اینها باید ملتهای مسلمان را بیدار کند، اینها باید چهره ی رؤسا و حاکمان با اخلاص را از حاکمان دست نشانده ی دشمنان ممتاز کند. اینجا صحنه ی امتحان است. امروز هر حنجره ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره ی الهی است، ناطق من الله است. هزاران خطبه و بیانات دیگری از مقام معظم رهبری موجود است که بر وحدت اسلامی تاکید بسیار دارند و این مهم را امری ضروری می دانند.

اسلامی نوین تمدن تحقق ضرورت : رهبری دیدگاه a)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، شکلگیری "تمدن نوین اسلامی" برای بشریت را، با توجه به ظرفیتهای عظیم جهان اسلام، ضروری دانستند. ایشان تاکید کرده اند اکنون نوبت جهان اسلام است که با استفاده از دانش، خردمندی و تدبیر و بصیرت، در مسیر برپایی "تمدن نوین اسلامی" حرکت کند. تمدن نوین اسلامی به معنای تجاوز به سرزمینها، پایمال کردن حقوق انسانها و تحمیل کردن اخلاق و فرهنگ خود به ملتها، نظیر آن نیست که تمدن غربی انجام داده است. تمدن اسلامی به معنای هدیه کردن فضیلت الهی به بشریت و ایجاد زمینه برای تشخیص مسیر صحیح توسط خود انسانها است. تمدن غرب اگرچه جلوههای زیبایی از فناوری، سرعت، سهولت و ابزار مختلف زندگی ارائه کرد اما برای بشریت، خوشبختی و عدالت به ارمغان نیاورد و در درون خود نیز دچار تضاد شده است. مادیگرایی صرف، احساس پوچی، خودبرتربینی و نگاه نسبی گرا به همه امور حتی معنوی، اوج انحطاط در تمدن غربی است. تمدن غرب علیرغم ظاهر فریبنده، از لحاظ اخلاقی فاسد و از نظر معنوی پوک شده است. علاوه بر این، تمدن غرب با راهاندازی جنگ به بهانه توسعه و آبادانی کشور هدف، چیزی جز خرابی و ناامنی به بار نیاورده

است . آمریکا با لشگرکشی هزاران کیلومتری فقط به دنبال منافع خود بوده است. وضعیت کنونی عراق و افغانستان ، مصداق تضاد عینی در تمدن غرب است . آمریکا با لشگرکشی به این دو کشور نیز ، فقط درصدد تحقق منافع یکجانبه است . مبانی اخلاقی و دینی اسلام اما ذاتاً با تمدن غرب در تضاد است . دین مبین اسلام رحمانی ، برابری ، پیشرفت ، توسعه علمی ، اقتصادی و سیاسی را برای همگان می‌خواهد و حس برتری جویی و سلطه‌گری ندارد . کشورها و امت اسلامی ، علاوه بر ویژگی‌های مشترک عقیدتی از جمله خداوند یکتا ، کتاب آسمانی قرآن کریم و دشمن مشترک ، از منابع گسترده و قدرتمندی برخوردارند که با وحدت و تلاش مجاهدانه ، می‌توانند قدرت و هویت خود را احیا کنند. سرزمین‌های حاصل‌خیز ، موقعیت جغرافیایی راهبردی ، منابع طبیعی غنی و تاثیرگذار در بازارهای جهانی و از همه مهم‌تر ، نیروی انسانی کارآمد در کنار جمعیت بیش از یک میلیارد و پانصد میلیونی ، از جهان اسلام ، قدرتی بالقوه ساخته است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، این ظرفیتهای گسترده ، اگر با تعالیم واقعی اسلام درهم آمیزد ، امت اسلامی می‌تواند آفرینش‌های بدیعی را در عرصه‌های علم ، سیاست ، فناوری و اجتماعی ، در قالب "تمدن نوین اسلامی" ، به ظهور برساند.

ضرورت وحدت

حرکت در جهت وحدت و اتحاد میان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون اسلام که مسیری سخت‌طریف و حساس است، هم نیازمند انگیزه است و هم زمینه. تا زمانی که احساسات و عواطف، به اقدامات عملی منجر نشود، وحدت و اتحادی حاصل نخواهد شد. وحدتی که از آن صحبت می‌کنیم، وحدتی تاکتیکی و موضعی نیست بلکه چیزی است که جهان رابطه و ارتباطات، ضرورت آن را برای همه به اثبات رسانده و به نوعی می‌توان گفت گریزی هم از آن نیست. اسلام به عنوان دین وحدت بخش و دین رحمت و عطف، پرچم دار تکیه به جمعیت و بهره‌مندی از قدرت اجتماع و همدلی و همکاری است که متأسفانه اصول اساسی آن، در برخی موارد، با غفلت خودی، مورد سوء استفاده‌ی دشمن واقع شده‌اند. آیات و سخنان خداوند در قرآن کریم، برجسته‌ترین کلمات الهی در باب وحدت است که ما را به اتحاد در ظل قرآن، اهداف قرآنی و عدم تفرقه فرا می‌خواند. یکی از مهمترین امور در شکل‌گیری وحدت، دست‌یابی به نقطه‌ی اشتراکی است که همه‌ی مذاهب بر آن اتفاق داشته باشند. نقطه‌ی مشترک میان تمام مذاهب اسلامی قرآن است. شیخ شلتوت در این باره می‌فرماید: «اسلام مردم را به وحدت فراخوانده و محوری را که مسلمانان باید به آن تمسک جویند و گرداگرد آن جمع آیند، اعتصام به حبل‌ال‌قرار داده است. این مطلب در بسیاری از آیات قرآن حکیم آمده، و رساترین آن در سوره‌ی آل عمران است «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ الْإِمْسَاقِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». خداوند از مطلق تفرقه نهی کرده است. این شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می‌شود. حدیثی صحیح می‌گوید: (لَا عَصَابِيَّةَ فِي الْإِسْلَام) در دین اسلام، تعصب وجود ندارد.»

علامه امینی هم در کتاب شریف "الغدير" می نویسد: «وقت آن رسیده است که دنیای اسلامی به عقل و درایت بازگردد و با ارائه ی شاهراه فکر اسلامی، جهان امروز را از این خلاء فکری و ماده گرایی، به زلال معارف بلند اسلام فراخواند و به جای اختلافات داخلی، جبهه واحدی از همبستگی فکر اسلامی در مقابل گرایشهای غیر اسلامی تشکیل دهد. برای اولین گام در راه تحقق این هدف باید از همبستگی های موجود استفاده کرد و در شعاع آن به پیشروی ادامه داد تا در موارد اختلاف نظر، به توافق رسید. مسلم است هیچ کدام از منابع فکر اسلامی، برای مسلمان اصیل تر از کتاب قرآن و سنت (گفتار، کردار و تصویب پیامبر) نیست. و هیچ چیز بهتر از این دو هم نمی تواند مسلمین را فکراً و عملاً با هم متحد و برادر سازد. در پیمودن این راه در درجه ی اول تسلیم به کتاب الهی و سنت مسلم پیامبرش سرمایه ای مؤثر و کافی است و آنگاه هر تکیه گاه دیگر و یا هر مبنای دیگری را با دید حزم و احتیاط و حتی با تهدید و انکار باید نگرست. و تا هنگامی که از نظر کتاب و سنت، قطعیت آن مسلم نشود، تسلیم آن نباید شد، زیرا یکی از مهم ترین علل پدید آمدن شکاف بین مسلمین و تیرگی در روابط آنان، تمسک برخی از فرق و جمود پاره ای از طوایف به اصول و زیربناهایی است که از نظر کتاب و سنت، هیچ گونه ارزش منطقی ندارد.»

در خصوص تقریب، قبل از هر چیز باید نگاه سیاسی خود را از این موضوع پاک کرده و به اصول و مبناهای قرآنی برای وحدت و امت اسلامی توجه کرد و این نکته را مد نظر داشت که خداوند برای همه مسلمانان، تلاش در راه وحدت امت اسلام را به عنوان یک تکلیف، در نظر داشته است. به عبارت دیگر از دیدگاه قرآن، اصل وحدت و دوری از تشتت و چند دستگی نه به عنوان یک هدف مقطعی و نه به عنوان یک ضرورتی که شرایط حاکم بر جامعه، آن را لازم کرده باشد بلکه یک اصل مسلم اعتقادی و اسلامی است.

بنابراین تاکید قرآن بر این اصل، جای هیچ تردیدی را باقی نخواهد گذاشت که همه ی مسلمانان باید تحت لوای امت واحد، به جانب صحیحی حرکت کنند و از هرگونه عملی که این حرکت را کُشد و به سوی تفرقه و اشتقاق سوق می دهد بپرهیزند.

به گونه ای که معتقد است عامل اصلی پیروزی، غلبه بر فیزیک رقیب نیست بلکه غلبه بر استراتژی و ایدئولوژی طرف مقابل است) و از سوی دیگر همه مسلمانان دارای یک قبله و یک کتاب هستند، همه به نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ایمان و اعتقاد دارند، به یک شکل روزه می گیرند، مانند هم حج می کنند، مانند هم ازدواج می کنند و مهمتر این که اهداف مشترکی دارند و گذشته از احساس تعلق به ملت خود، به دنبال پیاده شدن اهداف اسلامی هستند، نیاز بیشتری به وحدت و انسجام دارند. و اتفاقاً همین اسلام گرایی است که آنها را از سایر کشورهایی که مبتنی بر ناسیونالیسم ایجاد شده و

انسجام یافته اند، متفاوت می‌کند. در اندیشه‌ی امام خمینی (رحمة الله علیه) هر نوع هویت از قبیل هویت‌های فرقه‌ای، قومی، ملی و... که نافی هویت مکتبیه-امتی باشد، مطرود است: «جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه بیا نداریم» پس تمام اینها ایجاب می‌کند به مخالفت و جدال کردن با اجتماع و پراکنده کردن وحدت کلمه و حال آنکه قرار داده شده در جلوی چشم همه، تعلیمات و آموزش‌های پیامبر پاک، و بزرگداشت او شخصیت‌های شهرها و اماکن را به سبب فضائل از عناصر مختلفه مانند قول آن حضرت: «سَلَمَانُ مِیْنُ اَهلِ البَیتِ»... پس بر مسلمان است که این آراء نادره و کمیاب را خط مشق و روش خود گیرد و غفلت و صرف نظر نکند از گفته‌ی پیامبر امین که «از ما نیست کسی که دعوت به عصیت کند و از ما نیست کسی که برای عصیت و قومیت مقاتله و جنگ نماید» و «نیست از ما کسی که بر عصیت و تعصب قومیت بمیرد» بنابراین با وجود ضرورت‌های قرآنی، سیره و روایات معصومین و همچنین دلایل عقلی، هیچ گونه شک‌ی در حفظ وحدت نمی‌توان وارد کرد ولی سوال اینجاست که مرزهای وحدت چه هستند و حوزه و قلمروی آن تا کجاست؟ آیا منظور اتفاق نظر در تمامی مسائل علمی و اعتقادی است؟

باید اشاره کرد که به هیچ وجه نباید چنین تصور شود که برای حصول به وحدت، همه باید به یک رنگ در آیند و لازم باشد بسیاری از عقاید کنار گذاشته شوند چرا که چنین چیزی در شرایط حاضر، هرگز قابلیت عمل پیدا نمی‌کند، بلکه غرض از وحدت، مدارا با عقاید گوناگون است که در این زمینه، روایاتی از معصومین (علیهم السلام) وجود دارد. امام صادق (علیه السلام) در جواب مردی که گفت: ما از گروهی بیزاری می‌جویم زیرا آنها به آنچه ما عقیده داریم، عقیده ندارند، فرمودند: ما هم عقایدی داریم که شما ندارید، پس سزاوار است که ما هم از شما بیزاری بجویم؟... نزد خدا هم حقایقی هست که نزد ما نیست، گمان داری خدا ما را دور می‌اندازد؟... آنها را دوست بدارید و از آنها بیزاری مجوید. پس منظور از وحدت، احترام به عقاید یکدیگر و به رسمیت شناختن آنها است و هیچ منافاتی هم با برگزاری مناظرات و بیان آنها ندارد (چه بسا مناظرات و بحث‌هایی که نتیجه‌ی خاصی هم نداشته و دو طرف نتوانند همدیگر را قانع کنند). لذا از چیزی که باید پرهیز کرد، لعن و تکفیر است که به خودی خود مذموم بوده و منجر به تحریک احساسات و عکس‌العمل طرف مقابل می‌شود. جمله‌ی معروفی از آیت الله بروجردی که می‌فرمایند: «فقه شیعه، در حاشیه‌ی فقه اهل سنت است» نمایانگر این است که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوای اهل سنت در زمان امامان معصوم (علیهم السلام)، بهتر، راحت‌تر و دقیق‌تر می‌توان فرمایشات ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) را دریافت و همچنین اشاره به این موضوع دارد که فتاوای صحیح شیعه، مطرود کلی اهل سنت نیست. لذا ضرورت حفظ وحدت مسلمین در عین احترام به اختلاف نظرات، مانند این است که دو برادر در یک خانه زندگی می‌کنند و در برخی اعتقادات، اختلافاتی با هم

دارند. ولي اين باعث نمي شود كه اگر دزدي به خانه ي آنها زد، به خاطر اختلاف نظري كه با هم دارند، با يكدیگر همكاري نکنند و هم دست نشوند تا دارايي هايشان را از دست بدهند. آيت الله بروجردي معتقدند: «نهي از تفرقه، تفرقه ي مذهبي را نيز در بر مي گيرد؛ زيرا به رغم آنكه مذاهب فقهي اسلامي بسيار بوده و شيوه هاي آن مختلف است، از اصول واحدي كه كتاب الله و سنت پيامبر است، بر گرفته شده است. ولي به رغم تعدد مذاهب و اختلاف در بسياري از احكام و وجود آراي متعدد، همگان در نقطه ي مشترك و سخني واحد، گرد مي آیند؛ اين همان ايمان به مصادر اصلي و تقديس كتاب الله و سنت رسول الله (صلي الله عليه و آله) است.» مراد ما از وحدت يك امر ساده و روشن است و آن عبارت است از همكاري فرق مسلمين با همدیگر و عدم معارضه و مضاده آنها با هم. مقصود ما از اتحاد بين مسلمين اين است كه يكدیگر را نفي نکنند، دشمن را بر يكدیگر مسلط نکنند و بعضي بر بعضي، به ستم غلبه نکنند بدون شك هر نظام و واحد سياسي يا عقيدتي در دنيا، براي عمل در پهنه ي جهان، بايد الگوهائي را مدنظر قرار داده و مبتني بر تضادها و تنش هائي كه در مسيرش قرار مي گيرد، نوع مواجهه و البته مقابله با آنها را ترسيم كند و قبل از اين كار، شناخت دقيق و همراه با بصيرت دوست و دشمن از يك طرف و نوع مواجهه و منازعه دشمن و سلاح هاي به كار گرفته ي آن از طرف ديگر، بايد مد نظر قرار گيرد. از جمله ابزارها و سلاح هاي دشمن، باقي نگه داشتن اختلافات و جلوگیری از حل دائمي آنهاست. مسئله شيعه و سني موضوعي است كه علاوه بر اينكه دست آويزي براي غرب جهت مقابله با انقلاب اسلامي مطرح شد، عاملي است براي اينكه بتواند مانع قدرت يافتن مسلمانان و احياناً ايجاد خطر براي خودش شود.

امام خميني (رحمة الله عليه) مي فرمايند: «... غرب و شرق تا شما را از هويت اسلامي تان - به خيال خام خودشان- بيرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شويد و از قطع ارتباط با آنان رنجور، هميشه با بصيرت و با چشماني باز به دشمنان خيره شويد و آنان را آرام نگذاريد كه اگر آرام گذاريد، لحظه اي آرامتان نمي گذارند»

شيوه ي پيشنهادهي آيت الله بروجردي پيرامون وحدت بين مذاهب اين بود كه ميانه شيعه و سني در دو نکته ي اساسي، اختلاف نهفته است. يكي جانشيني پيامبر و امامت و رهبري مسلمانان است و ديگر اينكه بعد از رحلت پيامبر (صلي الله عليه و آله)، مسلمانان در عمل به احكام به چه كسي رجوع نمايند و تكليف روزمره ي خود را از كدام مرجع بگيرند؟ اولاً، بحث درباره ي موضوع اول، يك بحث تاريخي است. هر چه بوده گذشته است و لزومي ندارد دوباره مطرح شود. تجربه هم نشان داده كه طرح اينگونه مسائل هميشه سبب اختلاف شديد و منشا سوء استفاده هاي دشمنان بوده است. ثانياً اگر هم نتيجه اي علمي و عقيدتي دارد، اين ثمره براي هر كدام از شيعه و سني، في نفسه محترم است و ربطي به طرف مقابل ندارد.

بنابراین، اتحاد، همکاری و حمایت شیعیان و اهل سنت از یکدیگر، امریست بسیار حساس که نیازمند شرایط و زمینه‌هایی است. یعنی برای اینکه اتحاد، همکاری و همراهی، حالت عادی به خود گرفته و افتراق و بدبینی، جای خود را به مصالحه و همدلی بدهد، باید از برخی اقدامات پرهیز و بعضی کارها را انجام داد.

مفهوم تمدن‌سازی نوین اسلامی

مفهوم تمدن‌سازی نوین اسلامی عبارت است از: پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت‌افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری جهت شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی.

هدف نهایی نظام اسلامی، ایجاد امت واحد اسلامی و تمدن اسلامی جدید ... است. (بیانات مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۶) شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک تمامی مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. تربیت عقلانی، اخلاقی و قانونی را هدف بعثت نبی مکرم اسلام است که زندگی آسوده و رو به کمال انسان تمدن نوین اسلامی و تشکیل امت واحد اسلامی به آن‌ها نیازمند است. (بیانات مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۹) جدایی دین از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به تمام ابعاد اسلام که سیاست هم یک بعد مهم آن است، ایمان نیاوردند، وارد اسلام واقعی نشدند. تمدن نوین اسلامی دارای دو بخش است: الف) بخش ابزاری یا سخت‌افزاری که شامل نموده‌های پیشرفت می‌شود؛ از قبیل: علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن.

ب) بخش نرم‌افزاری حقیقی و اساسی تمدن اسلامی که شامل حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در تمام مظاهر زندگی و حیات مسلمانان است. تحقق هر دو بخش در تمدن نوین اسلامی ضروری است. (بیانات مقام رهبری در جمع دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳) رهبر انقلاب اسلامی تأکید بر اینکه بدون پیشرفت بخش حقیقی تمدن‌سازی نوین اسلامی یعنی «سبک و فرهنگ زندگی»، اهداف این تمدن بزرگ محقق نخواهد شد؛ افزودند: متأسفانه ما در این بخش، پیشرفت چشمگیری نداشته و مثل بخش اول یعنی علم و صنعت و نظائر آن پیشرفت نکرده ایم. رهبر انقلاب اسلامی، آسیب‌شناسی و علت‌یابی در

زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: در این زمینه باید همه به خود نهیب بزنیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب شناسی، به جستجو راه‌های علاج بپردازیم. گفتمانی در زمینه آسیب شناسی و چاره جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی بوجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشندگی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم جهان‌نیان را متوجه خود خواهد کرد.

عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا آن است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد. عقلانیت به معنای محافظه کاری، مسامحه و تساهل نیست. یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی و معنوی و دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است (بیانات، 29/4/1388).

علم محوری، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است؛ فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم سلطه آور است و جامعه، صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. باید علم را فراگرفت و بلکه بایسته است تولید کننده و صادر کننده آن شد و به مصرف آن نباید بسنده و دل خوش کرد. روش شناسی تولید علم از نظر ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است؛ در این صورت است که تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. در این میان، دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و لذا باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان در باب علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. تأکید ایشان بر این است که تحجر و جزم گرایی در باب یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاد اندیشی راه برون رفت از این آفت است. (بیانات: ۱۳۷۹ / ۱۲ / ۰۹)

اخلاق: اسلام خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. (بیانات ایشان در جمع دانشجویان، دانش آموزان و سایر جوانان خراسان شمالی، مورخ ۲۳/۷/۱۳۹۱) اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند (بیانات: ۱۳۸۸ / ۰۴ / ۲۹ تلاش و ایمان به هدف: ایشان، تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه سیاسی،

اجتماعي، اقتصادي» را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف دانستند و افزودند: بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی شود.

البته برخی کشورها، بدون ایمان به مکتبی خاص، مقلد تمدن غربند. این ها ممکن است به پیشرفتهای صوری نیز برسند، اما زیانهای بی انتهای ذلت تقلید، آنها را دچار آسیبهای جدی می کند و ریشه آنها را از بین می برد؛ بنابراین اگر طوفانی بپا شود توانایی استقامت ندارند.

معظم له بر این نکته تأکید دارند که: انقلاب اسلامی دارای توانایی، ظرفیت و انرژی متراکمی است که می تواند همه موانع را از سر راه بردارد و تمدن «ممتاز، متعالی، برجسته و باشکوه» اسلامی را در مقابل چشم همه جهانیان بر پا سازد.

آسیب های تمدن نوین اسلامی

با عنایت به وضعیت فعلی ملت های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن نوین هستند می توان آسیب های زیر را بر شمرد:

عدم پیروی از رهبری واحد

هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدا واحدی هدایت و راهبری گردد.

در اینجا نباید این موضوع با تک محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادات مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز واحدی تجمیع و مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند مورد قبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی – و به طور خاص شیعی- محوریت این تصمیم گیری ولایت فقیه است. (مهندسی تمدن اسلامی، عبدالعلی رضایی، ص 62)

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم گیری است. در تاریخ موارد متعددی از تمدن ها و حرکت های

تمدني فكري و فرهنگي به چشم مي خورد كه در اثر تشتت آرا و عدم تصميم گيري واحد، نتوانسته اند دوام چندانى داشته باشند.

آنچه مسلم است اين است كه وظيفه گروه هاي مرجع در اين حوزه بسيار خطرناك است و بر آنان است كه با توجه كامل بر اين مساله زمينه ساز ايجاد و گسترش تمدن نوين اسلامي گردند.

كم تحمل بودن در رسيدن به نتيجه مطلوب

حركت هاي فرهنگي و تمدني، به واسطه ماهيتي كه دارند فرايندي زمان بر داشته و نیازمند صبر، استقامت، پشتكار و توانمندی هاي بالقوه و بالفعل فراواني هستند. از جمله آسیب هاي جدی كه اين حركت را به شدت با مخاطره روبرو مي كند كم تحمل بودن در رسيدن به هدف آرمانی و نتيجه مطلوب است.

انحراف از مسير و ماهيت سياسي و غير ديني برخي از جنبش ها

رويه حركت هاي بيدارگرانه و ضد استعماري و با ماهيت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزايش و گسترش است. با توجه به سرعتي كه اين گونه فعاليت ها دارند تشخيص و دقت نظر در بطن حركت ها و توجه به ماهيت آنها بسيار ضروري است. سياست زدگي و افسون قدرت باعث سو استفاده از اينگونه جريان هاي مردمی و خيزش ها به سوي تشكيل تمدني نوين مي گردد. (همان، ص163) در بعضي از موارد پس از موفقيت اوليه حركت، ماهيت واقعي آن به تدريج تغيير يافته و مبتني بر منافع مادي و سياسي كه مي تواند ملي گرايانه محض و غير ديني باشد، نمود پيدا مي كند و ماهيت دروني اسلامي آن مورد غفلت واقع مي شود.

موانع تمدن نوين اسلامي

بر سر راه تمدن نوين اسلامي، در كنار آسیب ها و چالش هايي كه وجود دارد موانعي نيز باعث كندی حركت و جلوگیری از انجام برنامه ها و تمدن سازي مي گردد. نمونه هايي از اين موانع را مي توان اين گونه نام برد:

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان

وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مولفه با مشکل روبرو شود تاثیر فراوانی بر سایر جنبه های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. احادیث فراوانی درباره فقر در کتب حدیثی موجود است و توجه به باب های مربوط به امر تجارت و مسائل مالی در احکام فقهی نشانگر اهتمام خاص اسلام بر این مساله بوده است. فرهنگ سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت های اقتصادی که توان اجرای آنها را داشته باشد امکان پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم ریختگی در این حوزه کمک زیادی بر پیشبرد اهداف فرهنگی خواهد نمود. (مهندسی تمدن اسلامی، عبدالعلی رضایی، ص 93)

البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و بالابردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری نمایند.

عدم توجه به عقلانیت دینی

یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی دگم اندیشی دینی و مذهبی و عدم توجه به عقلانیت دینی است. اشاعره و اخباریان نمود اولیه و اصلی این نوع تفکر بوده اند. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح فقه پویا نامیده شده است یکی از جنبه های مهم اسلام است که در میان برخی از جوامع مورد غفلت واقع شده و یا در برخی موارد دیگر با افراط مواجه گردیده و آسیب های جدی وارد نموده است.

عمده مشکلات و فاصله هایی که میان احکام و دستورات دینی و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز نموده است ریشه در نبود عقلانیت دینی داشته و عدم تفکر و تعقل رهبران دینی در احکام و بازنگری همراه با تفسیر و توضیح درست آن می باشد. از سوی دیگر عقلانیت صرف بدون داشتن سبقه و رنگ دینی و عدم مراجعه به ضروریات دین، باعث کج روی های زیادی شده است. هر دو لبه این بحث که همانا تکیه بر

عقل بدون توجه به تعالیم دینی و بر خلاف آن دگر اندیشی و عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی در فرایند احکام فقهی مانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی خواهند شد.

(درآمدی بر سرمایه اجتماعی برپایه عقلانیت دینی، فاطمه براتلو و محمد صنایع، ص 211)

انحراف و کج فهمی در گروه های مرجع

گروه های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می باشند. هرچه این گروه ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راهها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالتها و ارزشهای دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی می باشد، علی الخصوص برای نسل های جوان و نیز نخبگان و تحصیل کردگان جامعه که به عنوان گروه های مرجع شناخته شده اند. انحراف و غرب زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان های تمدن نوین اسلامی خواهد شد. (جامعه شناسی غرب گرایی، علی محمد نقوی، ص 135)

عوامل ایجاد تفرقه بین مسلمانان

در مقابل وحدت، تفرقه نیز وجود دارد و این طبیعی است که همیشه در مقابل یک عامل موجود، عامل مخالفی هم باشد. اما باید برای مبارزه با آن چاره ای اندیشید. به طور کلی دو عامل عمده در مقابل وحدت وجود دارد، یک عامل عامل درونی ماست: تعصب های ما، پایبندی های ما به عقاید خودمان، هر گروهی برای خودش باید بر این فائق آمد. ایمان و پافشاری بر عقائد بسیار خوب است اما این نباید به دشمنی تبدیل بشود. برادرانی که در مجموعه امت اسلامی هستند احترام یکدیگر را حفظ کنند و همچنین عقایدشان اما احترام به دیگران و حدود دیگران و حقوق دیگران و حرمت و افکار و عقاید آنها را نگه دارند و بحث و مجادله را برای مجالس علمی بگذارند. علما و اهل فن می خواهند بنشینند مباحث مذهبی کنند بکنند اما مباحث مذهبی عالمانه و محفل علمی با بدگویی به یکدیگر در علن در سطح

افکار عمومی در مخاطبه با افکاری که قدرت تجزیه و تحلیل علمی ندارند فرق می کند این را با یستی علما مهار کنند ، مسئولان باید مهار کنند . همه گروه های مسلمان در این مورد وظیفه دارند . شیعه و سنی هم وظیفه دارد و باید به سمت اتحاد بروند و این عامل یک عامل درونی است . عامل دومی که در برابر وحدت است عامل بیرونی تفرقه است . به قول حضرت آیت الله خامنه ای پول بسیار زیادی خرج می کنند برای اسلام ستیزی . نمونه آن ایجاد تفرقه به وسیله شبکه های ماهواره و ساختن شبکه ها و فیلم های ضد خانوادگی است ، که این فیلم ها ابتدا در خانواده باعث تفرقه می شود یعنی زن و شوهر را نسبت به یکدیگر بدبین می کنند و باعث طلاق و آشوب می شود و مطمئناً کسی که نتواند در خانواده از تفرقه جلوگیری کند نمیتواند در اجتماع و در بین مسلمین نیز دوام بیاورد و ضعف او بهانه ای بهتر از قبل برای تفرقه انگیزان است . اگر هم طلاق نگیرند بدتر از آن را میگیرند یعنی طلاق عاطفی ، یعنی زندگی کشنده ، زندگی که در آن زن و شوهر مدام با هم قهرند و سایه همدیگر را با تیر میزنند . آرام آرام نابود سازی کنند و طوری که دیگر نتوان به قبل برگشت . باید مواظب این مسائل بود . این یک نمونه به عنوان مثال بود که خرج می کنند برای نابود سازی مسلمین . موارد بسیار زیادی است که می توان نام برد اما هدف این مقاله چیز دیگریست . مورد بعدی از عوامل بیرونی تفرقه را میتوان جداسازی عرب از عجم نام برد . غربی ها با نقشه ریزی های کثیف باعث جدا شدن مسلمین غیر عربی از عربی می شوند و به عنوان مثال در جنگ ۲۲ روزه غزه که شکست خوردند و نتوانستند بحث شیعه و سنی را مطرح کنند ، آمدند و مسئله قومیت را مطرح کردند . مسئله عربیت و غیر عربیت . اختلاف بین اینکه مسئله فلسطین مختص عرب هاست و غیر عرب ها حق ندارند در این جریان دخالت کنند . اصلاً اینگونه نیست . مسئله فلسطین مسئله اسلامی است و عرب و عجم ندارد . در مسائل دنیای اسلام اگر پای قومیت به میان آمد بزرگترین عامل تفرقه به وجود آمده است . وقتی پای قومیت را در مسائل دنیای اسلام به وجود می آورند ، عرب را از عجم جدا می کنند ، ترک را جدا می کنند ، کرد را جدا می کنند ، اندونزیایی ها را جدا می کند ، مالزیایی ها را جدا می کنند و پاکستانی و هندی و غیره پس چه می ماند ؟ این چوب حراج زدن به امت اسلامی است . از این تله های استکبار باید با دقت گذشت و گرنه شیرینی پیروزی امت اسلام را به زهر ماری کشنده تبدیل می کنند . بهتر است دیدگاه های قرآن و افراد و شخصیت های مختلف مورد بررسی قرار داده شود قرآن کریم تعابیر زیبایی در آخرت برای وحدت سازان و تفرقه انگیزان دارد . هنگامی که چهره بهشتیان را ترسیم می کند از آنها به عنوان إِيخْوَانَنَا عِلَی سُرُرٍ مِّن تَحْتِهَا بِلَیْنٍ (۴۶) یاد می کند در حالی که همه برادرند و بر تخت ها روبروی یکدیگر قرار دارند و هنگامی که از دوزخیان را به تصویر می کشد از آنان اینگونه یاد می کند که إِنَّ ذَٰلِكَ لَآخَقٌ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۴۷) این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان . زیرا معمولاً تفرقه انگیزان خصمانه گفتگو می کنند . قرآن کریم از سویی، سفارش به وحدت و اتحاد، و انسجام و همگرایی می کند و از سویی دیگر، تفرقه و اختلاف را مورد نکوهش قرار می دهد و می فرماید: «[فرمان] خدا و

پیامبرش را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع و کشمکش نکنید که سست می شوید و قدرت [و شوکت] شما از بین می رود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است.»

کلام مقام معظم رهبری نیز در راستای همین آیه است که می فرماید: «قوّت ما هنگامی بروز می کند که ملتّی یکپارچه باشیم. اگر بین ما اختلاف و دو دستگی شد، بگو مگو رخ داد، جریانهای مختلف آمد و قدرت طلبی شد، قدرتمان را از دست خواهیم داد؛ «وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» و اختلاف، اصلاحات و آبرو و اقتدار را از هر ملتی می گیرد. اگر شما وحدت کلمه را حفظ کنید، این قدرت می ماند»

مقام معظم رهبری در جایی دیگر می فرمایند: هر حنجره ای و زبانی که ملتهای مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیتها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است. آنهایی که از زبان ابلیس حرف میزنند، خودشان و مستمعین خودشان را به طرف جهنم میبرند؛ خودشان را هم دچار هلاکت میکنند (۴۹) «ألم تر الي الذّین بدّلوا نعمت اللّٰه کفرا و احلّوا قومهم دار البوار، جهنّم يصلونها و بئس القرار» (ابراهیم: ۲۸ و ۲۹) «يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار»، (هود: ۹۸) که درباره ی فرعون است. کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور میکنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار میکنند، به نفع ابلیس ها کار میکنند. امروز می بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کارتها و تراستها، همه دارند پول خرج میکنند، نقشه ریزی میکنند برای اسلام ستیزی. قرآن را آتش میزنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار میدهند، کاریکاتور درست میکنند، کتاب مینویسند، در پایتختهای بزرگ اروپا علیه مسلمانها هیجانات قومی درست میکنند - می بینید دیگر! اینها چیزهای روشن و واضحی است - اینها معنایش چیست؟ معنایش اسلام ستیزی است. امروز دشمنان غربی، علیه اسلام و مسلمانان، شمشیر را از رو بسته اند. خب، اینجا تکلیف مسلمانها چیست؟ مسلمانها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمانها باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانائی را روزه روز افزایش دهند. یکی از مهمترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملتهای مسلمان درس است. هدف دشمن از ایجاد تفرقه بین مسلمانان را آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید بیان می کند و از نظر حجت الاسلام لروند یعنی: تفرقه عامل اصلی مشکلات در بین مسلمانان است و دشمن هم از تفرقه بدترین بهره برداری به نفع خودش را می کند، لذا مسلمانان باید مراقب باشند زمام دین خود را از طریق این اختلافات و تفرقه ها به دست دشمن ندهند. ایشان معتقدند جهالت، بی بصیرتی، حب دنیا و ریاست طلبی از عواملی است که می تواند به اتحاد و وحدت آسیب وارد کند و منجر به تفرقه شود. امام خمینی تفرقه - چه

تفرقه میان دولت ها، چه تفرقه میان ملت ها و دولت ها، چه تفرقه بین مسلمانان و چه بین فرق مختلف اسلامی و چه تفرقه میان مسلمانان و غیر مسلمانان- را یکی از مهم ترین مشکلات جهان اسلام و اساسی ترین آسیب ها در دستیابی به «تمدن اسلامی» می‌دانند که به وسیله استعمار گران ساماندهی می‌شود. با توجه به این نکات می توان پی برد تفرقه مایه نابودی و وحدت مایه نجات است .

نتیجه گیری:

تمدن نوین اسلامی که در سال های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش ها و مقابله های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب ها، چالش ها و موانعی روبرو گردیده که از جمله آنها می توان به عدم پیروی از رهبری واحد، تعجیل در رسیدن به نتیجه مطلوب، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش ها، فرهنگ مهاجم غربی، اختلاف افکنی در میان مسلمانان، طغیان مادی نگری در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان، عدم توجه به عقلانیت دینی و انحراف و کج فهمی در گروه های مرجع اشاره نمود.

راهکارهای مقابله با این چالش ها و موانع را می توان چنین بیان کرد:

کم تحمل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: گروه های مرجع در این زمینه وظیفه دارند با آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از این موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به این جریان واقعی ساخته و با تشریح وضعیت موجود و اهداف و آرمان های مطلوب جامعه تمدن نوین اسلامی از سرخوردگی و ناامیدی مردم جلوگیری کنند. بدیهی است در این راه می بایست در برابر شبهه افکنی ها و تلاش هایی که مخالفان و گروه های رقیب، از آمادگی کافی ذهنی و فکری برخوردار باشند. (مهندسی تمدن اسلامی، عبدالعلی رضایی، ص37)

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش ها: دقت در تطابق فعالیت ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

فرهنگ مهاجم غربی: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره گیری مناسب و به روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده

غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اختلاف افکنی در میان مسلمانان: راهکار اصلی در فرهنگ سازی و روشنگری در میان جوامع مسلمان است. این وظیفه می‌بایست توسط دولتمردان از یک سو و از سوی دیگر توسط اهل فکر و فرهنگ و متفکران و اندیشمندان و رهبران دینی انجام پذیرد. (استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، سید احمد موثقی، ص 38)

طغیان مادی نگری در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: فراهم ساختن زمینه های مناسب جهت فعالیت صحیح اقتصادی، جلوگیری از سو استفاده های مالی در میان گروه های مرجع، مبارزه با مظاهر آشکار فقر و زدودن آن از چهره جامعه

عدم توجه به عقلانیت دینی: ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به سوی این مسیر روانه نمود.

انحراف و کج فهمی در گروه های مرجع: برای مقابله با این مانع می‌بایست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعیت آموزش و پرورش و حوزه تحصیلات تکمیلی و اهمیت قائل شدن به این حوزه نمود. با آموزش صحیح مبانی فکری و فرهنگی و تامین و تهیه کتب و منابع آموزشی به ویژه در حوزه علوم انسانی از انحراف در گروه های مرجع و از غرب زدگی آنان جلوگیری نمود و به تبع آن هدایت صحیح مخاطبان گروه های مرجع که عموم مردم جامعه هستند دست یافت. (تمدن نوین اسلامی: مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین المللی پژوهشی شیخ طوسی(ره)، ص 89)

عقلانیت و مدیریت راهبردی ایجاب می‌کند که جهان اسلام به عنوان یک کل واحد یا مجموعه کشورهای قدرتمند نیز نقش تعیین کننده ای در ترسیم تکوین و تثبیت نظم جهانی ایفا کنند. نظم جهانی که به تکوین، توسعه و تعالی تمدن نوین اسلامی بیانجامد. با توجه به اینکه جامعه اسلامی هر روز رو به پیشرفت است و این طبیعی است که با هر پیشرفتی در هر جامعه ای دشمنان آن ها نیز بیکار نمی‌نشینند

و با ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت در بین مسلمین تمدن اسلامی را که از نظر خود غربی ها در سه تمدن اولیه موجود در جهان است را از بین می برند . از این رو تمامی کسانی که در تمدن اسلامی صاحب نظر هستند نسبت به این امر مهم بیانات و دیدگاه ه هایی دارند و با درس گرفتن از این دیدگاه ها و استفاده از آیات و روایات مختلف در مورد تمدن اسلامی و نقش وحدت مسلمین در تمدن سازی باید نقشه های کثیف غرب و جامعه غربی و دشمنان این تمدن و این مرز و بوم را نقش بر آب کرد و از بین برد . لذا باید تمامی جوانب این مهم و نکات آن را از منابع مختلف استخراج کرد و مکر حيله گران را به خودشان برگرداند . وظيفه هر مسلمان شیعه و سني است که در برابر دشمن وحدت خود را حفظ کند و عوامل تفرقه را از بین ببرد و از اختلاف با دیگر مسلمانان در دیگر کشور ها و با هر فرقه ای و مذهبی پرهیز کند . هدف دشمن از بین بردن یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان از طریق خود مسلمانان است که باید مواظب این مکر ها بود و با تمدن سازی نوین اسلامی دست رد بر سینه آنها زد . بلاشک وحدت در برابر دشمن در بین فرق اسلامی از جمله شیعه و سني باعث تمدن سازی شده و مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام ، تشیع و تسنن است . این نظر کلیه صاحب نظران این حوزه از جمله مقام معظم رهبری (دامت برکاته) است

در آخر فرازی از بیانات رهبرانقلاب در دیدار با مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی بیان میکنیم: «امروز ما مسلمانها احتیاج داریم به هوشیاری؛ احتیاج داریم به این که نقشه ی کلی زندگی خود و مواجهه ی دشمنان با خود و با اسلام را بشناسیم. اگر نقشه را شناختیم، راه را درست انتخاب خواهیم کرد. اشکال آنجاست که گاهی ما مسلمانها خودمان نقشه ی دشمن را درست نمی شناسیم، خود ما جزئی از آن نقشه ی دشمن میشویم؛ که امروز متأسفانه دنیای اسلام مبتلای به این است. نقشه ی دشمن، اختلاف افکنی در بین مسلمانان است؛ نقشه ی دشمن، تحریک عصبیتهای مذاهب مختلف اسلامی علیه یکدیگر است؛ نقشه ی دشمن این است که توجه امت اسلامی را از نقطه ی حقیقی خصومت و دشمنی - یعنی سرمایه داری فاسد و مفسد و صهیونیزم - منحرف کند و به جاهای دیگری متوجه کند ... نقشه ی دشمن این است: ملتهای مسلمان را به یکدیگر مشغول کنند، بین اینها اختلاف به راه بیندازند - کما اینکه امروز می بینید به راه انداخته اند - هزاران نفر کشته شوند، خونها بر زمین ریخته شود، ملتهای مسلمان از مسائل اصلی خود غافل بمانند، از پیشرفت ضروری ای که باید به دنبال آن باشند، غفلت کنند، برای اینکه منافع استعمارگران، منافع صاحبان قدرت ظالم و ستمگر تأمین شود؛ همچنان که یک روز با استعمار، این کار را کردند ... امروز برای مسلمانها، اتحاد و اتفاق، همدلی و همکاری، جزو فوری ترین و ضروری ترین هاست.»

فهرست منابع:

- امام خميني، صحيفه نور - امام خميني، ۱۳۶۸ ، صحيفه انقلاب، وصيتنامه سياسي - الهي رهبر كبير انقلاب اسلامي و بنيانگذار جمهوري اسلامي ايران ، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي ، ج ۴
- بيانات آية الله خامنه اي مورخ ۲۶/۶/۱۳۹۰ - بيانات آية الله خامنه اي مورخ ۲۹/۴/۱۳۸۸ - بيانات آية الله خامنه اي در جمع دانشجويان، دانش آموزان و ساير جوانان خراسان شمالي، مورخ ۲۳/۷/۱۳۹۱ - بيانات آية الله خامنه اي ۹/۱۲/۱۳۷۹
- بيانات مقام معظم رهبري در ديدار شرکت کنندگان در مسابقات بين المللي قرآن كريم ۱۸ خرداد ۹۲
- فرهنگ و شبه فرهنگ، محمد علي اسلامي ندوشن، تهران، انتشارات يزدان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۷ - با اقتباس از: مقاله «معيني پور، مسعود و لک زايي، رضا، ارکان امت واحده و تمدن اسلامي از منظر امام خميني (قدس سره) و مقام معظم رهبري»، فصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات انقلاب اسلامي، ش ۲۸، ص ۵۴-۵۵ - مقاله: معيني پور، مسعود، لک زايي، رضا، ارکان امت واحده و تمدن اسلامي از منظر امام خميني و مقام معظم رهبري، فصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات انقلاب اسلامي، سال نهم، بهار ۱۳۹۱، ش ۲۸، ص ۷۵ - ۵۱ - يوم الخلاص، ص ۴۰۴ - الحجر آيه : ۴۷ - انفال ۴۶ - بحارالانوار، ج ۲، ص ۹۴ - درآمدي بر سرمايه اجتماعي بر پايه عقلانيت ديني، فاطمه براتلو و محمد صنايع، نامه پژوهش فرهنگي، سال دهم، دوره سوم ، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۸.
- مهندسي تمدن اسلامي (الزامات و موانع)، عبدالعلي رضايي، چاپ اول، قم، انتشارات فجرولايت، ۱۳۸۶.
- مقابله با تهاجم فرهنگي، محمد مدني بجستاني، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ۱۳۷۴.
- جامعه شناسي غرب گرايي، علي محمد نقوي، تهران، انتشارات اميرکبير، ۱۳۶۳.
- زندگي در برزخ تمدن غربي و تمدن اسلامي، محمد مددپور، کتاب نقد، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷.

- تأملی بر مسألهٔ وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر جنبش اتحاد اسلام، محمدحسین اردوش، چاپ اول، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، 1384.

- علی احمدی، طلایه داران تقریب 2 (شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، 1389

- مهدی مسائلی، پیشوایان شیعه پیشگامان وحدت، سپیده باوران، چاپ اول، 1390

- نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، نوید اسلام، چاپ نهم، 1386